

تبیین ابعاد سلوک عرفانی و اثر آن بر ایجاد آرامش روانی در خانواده ها

معصومه مومنی زاده^۱

علی فتح الهی^۲

حسین فلسفی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۱۱

چکیده

خانواده اساس اجتماع، اولین سلول سازنده‌ی زندگی جمعی انسان، خشت بنای جامعه و کانون اصلی حفظ و ارتقای سنت‌ها، هنجارها و ارزش‌های اجتماعی است. بی‌شک شالوده‌ی استوار پیوندهای اجتماعی و روابط خویشاوندی در بروز و ظهور عواطف انسانی کانون خانواده است. عارفان متقدم و متأخر به اهمیت و نقش سازنده خانواده واقف بوده‌اند. آنان احکام، آداب و اخلاق خانوادگی را در حد لازم و کافی از منابع دینی، اخلاقی و عرفانی فراگرفته و مهارت‌های لازم را کسب کرده‌اند. این پژوهش با هدف بیان نقش مؤلفه‌های عرفان عملی در نظام‌مندی کانون خانواده و با روش توصیفی و مطالعه‌ی کتابخانه‌ای نشان می‌دهد که اهل سلوک ضمن مراعات حرمت اهل خانه اعم از همسر یا کودکان خود، در توجه و تأمین بهداشت روانی و شادمانی آنان نیز اهتمام خاص ورزیده‌اند. عارفان در برقراری رابطه‌ی صمیمانه با همگان، به ویژه با خردسالان کوشا بوده و در انجام بازی و هم‌کلامی با کودکان همچون خودشان ایفای نقش می‌کرده‌اند.

واژه های کلیدی: خانواده، نظام‌مندی، مؤلفه‌های سلوک، عرفان عملی و عارفان.

^۱ گروه ادیان و عرفان، واحد خرم آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم آباد، ایران

^۲ گروه ادیان و عرفان، واحد خرم آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم آباد، ایران (نویسنده مسئول).

^۳ گروه فلسفه و حکمت اسلامی، واحد خرم آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم آباد، ایران.

مقدمه

نهاد خانواده و تاثیر تربیتی آن همواره مورد توجه اندیشمندان بوده است. خانواده کانونی است که بذر هویت، فرهنگ و شخصیت هر فرد در آن پایه گذاری می شود. شناخت عواملی که به تحکیم بنیاد این نهاد مدد می رساند، امری ضروری و بدیهی است. زیرا خانواده کانون اولیه و اصلی ساخت باورها، ارزش ها و اخلاق و شخصیت انسان و رشد و سلامت جسمی و روحی افراد است. محیط خانواده می تواند انسان را به تعالی و کمالات مادی و معنوی برساند و این در صورتی است که محیط خانواده مملو از اخلاق، سلامت، امنیت، آرامش و آسایش باشد. بر همین اساس، تفکر سکولار و لائیک با استفاده از ابزار و ماشین تکنولوژی مدرن می خواهد این مانع مهم و تاثیرگذار را از سر راه خویش بردارد تا جامعه را به فساد و تباهی بکشد. چون منافع خود را در دین زدایی، اخلاق زدایی، تخریب مقدسات و از بین بردن معنویات و ارزش ها می بیند. (رودگر، ۱۳۹۶: ص ۲۱)

با وجود اینکه عرفان گرایشی معنوی و یک تمایل باطنی انسانی است که در همه مکاتب و ادیان یافت می شود، و با آنکه ظرفیت سلوکی آن به جهت دشواریش تعمیم نداشته و ندارد، اما کاربست مؤلفه های اثر بخش آن در تعالی نظام خانواده بسیار مفید فایده خواهد بود. البته در سلوک عرفانی مورد نظر اسلام، رعایت حدود و ثغور شرع مقدس و اطاعت از اوامر و نواهی الهی برای صعود به مقامات معنوی، امری اجتناب ناپذیر است و در لزوم پایبندی به ظواهر شریعت برای دستیابی به باطن و حقیقت آن، هیچ جای تردید نیست. (شریفی، ۱۳۹۳: ص ۴۹) بدون تردید، سالک عارفی که به قرب الی الله و مقام فنای فی الله چشم دوخته است، نه تنها باید به انجام واجبات و ترک محرمات پایبند باشد، بلکه بسیاری از مستحبات همراه با ترک مکروهات را باید در نظر داشته و به آنها به چشم تکلیف الزامی عمل کند.

در قرآن کریم هم بر زیست و سلوک معنوی تاکید شده است و فراوان در آیات بر عمل صالح، جهاد، استقامت، اطاعت از خدا و رسول، سرعت در کار خیر، لزوم تسلیم کامل در برابر مشیت الهی تکیه شده است. توجه به آیاتی که اوصاف مؤمنان، پرهیزکاران و صالحان را بیان می کند، نشان می دهد که نه ایمان بدون عمل صالح مفید است و نه عبادت و عمل صالح بدون ایمان. چنانکه سرپیچی از اوامر و نواهی خداوند و نادیده گرفتن ضوابط و احکام او، بزرگ ترین عامل طرد و لعن الهی و دوری از ساحت قدس او خواهد بود و این قانون کلی و برای همه، حتی پیامبران است. (فرزندوحی، احمدی، ۱۳۹۲: ص ۱۰۰) در این نوشتار سعی می شود تأثیر و نقش مؤلفه های سلوک عرفانی مانند رضا، توکل، مراقبه، صبوری و عشق ورزی در ارتقای نظام خانواده بررسی شود و به بیان نقش تاثیرات مثبت و منفی این عوامل و متغیرها در بهبود فضای معنوی درون خانواده به تفصیل بپردازیم.

پیشینه ی تحقیق

با وجود آنکه در زمین تأثیر مؤلفه‌های سلوک عرفان بر ارتقای و ایجاد آرامش در فضای خانواده تحقیق مستقل و جامعی انجام نشده است اما در پاره‌ای از مقالات و نوشته‌ها اهمیت و نقش عرفان در بهبود حیات معنوی و زیست سالم اجتماعی به ویژه در چارچوب خانواده مورد توجه قرار گرفته است که به پاره‌ای از آنها اشاره می‌کنیم.

۱. جوانی، یدالله (۱۳۸۹) در مقاله‌ای تحت عنوان: «تأثیر آموزه‌های عرفانی اسلامی بر نهاد خانواده» منتشر شده در نشریه اسلام پژوهی، شماره چهارم نشان می‌دهد که آموزه‌های نظری عرفان در زندگی انسان در مواردی مانند: معنویت، وسعت دید، تغییر نگاه به زندگی و انسان‌ها، مخالفت با نفس، تزکیه نفس، مراقبه و محاسبه احوال و تأثیر صحبت نقش تربیتی داشته است. و سلوک عملی عارفان علاوه بر تقویت و تداوم زندگی خانوادگی دستاوردهایی مانند آرامش باطنی، تلطیف روح، خوش خلقی، نشاط و شادی، اعتدال در معیشت و غیرت ورزی را به دنبال داشته است.

۲. فرزند وحی، جمال؛ احمدی، فاطمه (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان: «جایگاه حقوق و اخلاق در خانواده از منظر قرآن و روایات» فصلنامه سراج منیر، شماره ۱۰، سال سوم نتیجه می‌گیرد که اجرای احکام حقوقی در خانواده، حافظ نظم خانواده به عنوان جزئی از جامعه است و همچنین شناخت احکام اخلاقی خانواده و عمل به آنها، محبت خانوادگی را سالم و بارور نگاه می‌دارد و در سایه باروری نهال محبت، نظم خانوادگی استوار می‌ماند.

۳. خامنه‌ای، محمد (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با موضوع: «حکمت متعالیه و تدبیر خانواده» منتشر شده در مجموعه مقالات یازدهمین و دوازدهمین همایش بزرگداشت حکیم صدرالمآلهین شیرازی، انتشارات بنیاد حکمت اسلامی صدرا به تبیین چگونگی نظام خانواده در متون وحیانی و حکمی می‌پردازد.

۴. شمشیری، بابک (۱۳۹۱) در مقاله: «عرفان اسلامی و دلالت‌های آن در حیطه روانشناسی ازدواج و خانواده» در نشریه روشها و مدل‌های روان‌شناختی، نشان داده است که ازدواج و خانواده محملی برای سیر عشق از مجاز به حقیقت می‌باشد. مطابق با نگاه عرفان اسلامی، بنیان ازدواج و تشکیل خانواده، ناشی از عشق و رشد آن است. عارفان تصریح دارند که عشق در ازدواج و خانواده، بستر مناسبی برای آگاهی از توجه به دیگری را فراهم می‌آورد.

چگونگی نگاه قرآن و عرفان به نظام خانواده

خانواده در لغت به معنای دودمان و تبار است. (دهخدا، ذیل واژه‌ی خانواده) قرآن برای بیان مفهوم خانواده از واژه‌های «اهل» (تحریم. ۶) و «اولو الأرحام» (انفال/ ۷۵) استفاده برده است. قرآن کریم شکل‌گیری خانواده را از آیات الهی دانسته و در بیان هدف تشکیل نظام خانواده بر آرامش ناشی از آن تأکید دارد: «و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیها»؛ (روم/ ۲۱) (و از نشانه‌های او اینکه از (نوع) خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدان‌ها آرام گیرید).

عارفان مسلمان به سبب شرع‌مداریشان برای آن ارج خاصی قال هستند. فیض کاشانی می گوید: «خانواده مرکز ولایت و نور خداست و به تعبیر امام باقر (ع) خانواده مرکز تجمع محبت و مودت است.» (فیض کاشانی، ۱۳۷۱: ص ۲۰۱).

قطب الدین عبادی آورده‌اند که پیامبر اسلام (ص) فرموده‌اند: «النکاح سنتی»؛ ازدواج سنت من است و نفروم: نکاح سنت اسلام است؛ یعنی من اسوه و الگو شما هستم: «لقد کان لکم فی رسول الله اسوه حسنه» (احزاب/۲۱) پس شما هم از من پیروی کنید و زندگی من و همسرم خدیجه (س) را الگو و سرمشق زندگی خود قرار دهید، چنانکه پیامبر (ص) در مورد مقام حضرت خدیجه (س) فرمود: «وقتی جبرئیل (ع) بر من نازل می شد می فرمود: خداوند به خدیجه سلام می رساند.» (العبادی، ۱۳۷۴: ص ۱۳۴)

انسان عارف، خانواده را مجموعه اسماء و صفات علیای خدا می داند؛ یعنی اگر ما را در زندگی خودمان بتوانیم معارف معنوی را حاکم کنیم، مظهري از جلوه های اسماء خدا شده ایم و خانواده ای که بتواند مرکز بروز تجلیات نفس رحمانی خدا گردد، جلوه ای از اسماء خدا می شود. به عبارت دیگر، انسان عارف با تلاش و مجاهدت خود می کوشد تا در مسیر توحید صمدی گام بردارد و اگر احیاناً از اساتید خود دستورالعمل‌هایی دریافت می کند برای این است که از القائنات سبوحی و قدوسی آنان بهره مند شود. بنابراین تمام دستورالعمل‌ها از جانب سفیران خدا به آیات انفسی عارف برگشت می کند و آنچه که مربوط به زندگی عارف می شود شناخت آیات انفسی عارف است. نگاه عارف به طبیعت نگاه آفاقی است؛ اما به عیال و خانواده نگاه انفسی است (جوانی، ۱۳۸۹: ص ۱۰۹).

یعنی قرآن خانواده را از آیات انفسی خود می داند و انسان عارف نشانه های عظمت خداوند را در وجود اهل منزل می بیند. مرحوم تبریزی خطاب به خانواده ها می گوید: زن و شوهر باید احترام یکدیگر را حفظ کنند؛ چون هر دو از آیات انفسی خداوند هستند و هیچ کدام حق بی احترامی به دیگری را ندارند؛ زیرا فرهنگ غنی اسلام زن و مرد را از آیات انفسی خدا می داند و جسارت مرد و زن را به یکدیگر اجازه نمی دهد. در مقابل عقل انسان پرده ای نصب شده که به پرده شرک و ناباوری مشهور است؛ اگر این پرده ناباوری و شرک را کنار بگذاریم آیات انفسی خداوند را درک می کردیم و در ما اثر می گذاشت (تبریزی، ۱۳۹۳: ص ۱۹).

خانواده از دیدگاه عرفا

ازدواج و تشکیل خانواده در سلوک عرفانی

عرفا به فوائد ازدواج و تشکیل زندگی مشترک توجه کرده‌اند. به عقیده آنها مجاهده با نفس، مسخر نمودن بعد حیوانی وجود و تداوم نسل آدمی پاره ای از آن فوائد است. در خصوص تاثیر ازدواج در تربیت نفس بر این عقیده هستند که چون ازدواج تکالیفی برای انسان در پی دارد، لذا انجام این تکالیف به خودسازی و تربیت وی سود می رساند. تامین امر معاش خانواده، رنج کشیدن در راه اصلاح و تربیت انسان، کوشش برای تربیت

فرزندان و اهتمام به اوضاع خانواده موجب می شود که انسان توامان به اصلاح نفس خود و دیگری پردازد. کسی که به اصلاح نفس خود و دیگری مشغول است نظیر کسی نیست که فقط نفس خود را آرام و آسوده می دارد. رنج تربیت اعضای خانواده به مانند جهاد در راه خدای تعالی است (غزالی، ۱۳۶۵: ص ۳۹).

عرفا ساز و کار پیشگیرانه برای تداوم زندگی خانوادگی پیش بینی کرده اند. آنها به عوامل تحکیم مبانی خانواده توجه داشتند. به عقیده آنها هنگام انتخاب همسر باید به دینداری، خوش خلقی، و اخلاق وی توجه نمود. همچنین ولی یک دختر نباید او را به فردی که به لحاظ دینی ضعیف یا بد اخلاق است، بدهد. چنانچه پدری دختر خود را به ظالم یا فاسقی بدهد بر دین خود خیانت ورزیده است و در معرض چشم خدای تعالی آمده است. از عبارات فوق، مشخص می گردد که تعالیم عرفانی به کیفیت زندگی خانوادگی و تاثیر آن در ارتقاء سطح معنوی زوجین اهتمام ویژه داشته اند (همان: ص ۸۸).

انصاری در رابطه با ازدواج می فرماید: مرید باید در ابتدای سلوک، ازدواج نکند چون همسر و فرزند ممکن است موانعی در راه او باشند. او فقط به یک شرط ازدواج را جایز می شمرد، این که شخص بتواند در عین همسر داشتن، همچون شخص بی همسر باشد؛ یعنی زندگی اش در حضور خداوند سپری شود (انصاری، ۱۳۷۹؛ ص ۲۹۷). شیخ رحمه الله در ارتباط با زن خواستن و ازدواج فرمودند: هر آنگاه که مصلحت در تاهل بیند بی دعوایی هوای نفس و بواعث رعونت طبیعی مباشر آن شوند و سالک چون به مقام استقامت رسد، میان دل و نفس، عدل و سویت بنهد و صفحات روزگار ایشان، به نفعات مساعی جمیل معین دارد و هر آن سالک که صبر کند بر عزوبت، تا آنگاه که به مقام منزل مردان رسد، حق تعالی هر آنچه مقصود او باشد از اسباب دنیا، وی را مهیا و مهنا گرداند. و هر آنگاه که تعجیل نماید و از غایت شره و شبق زن خواهد، از منازل و مقامات مردان محروم ماند و از عزایم بازماند و طالب رخصت شود و بیاید دانست که رحمت از حضرت عزت است مر عامه مومنان را و تعجیل نمودن بر زن خواستن، غایت خسران و نقصان مرید مستعد خود را به زن خواستن مبتلا کند، او را حدث و حیض مردان خوانند. همچنانکه زنان مستحاضه از نماز و طاعت باز مانند، او نیز به سبب زن از مقام و حال مردان محروم ماند (زین الاسلام استاد ابوالقاسم عبدالکریم ین هوازن القشیری؛ ۱۳۹۱، ص ۳۲۰). سفیان ثوری رحمه گفت: زن بسیار خواستن نه از طلب دنیاست که امیرالمومنین علی رض زاهدترین جمله صحابه بود و او را چهار زن و چندین فرزند بود. عبدالله عباس رض خیر امت بود و بسیار زن خواستی. عبدالله مسعود رض گفت: اگر عمر من ده روز بیش نمانده باشد، خواهم که در آن ایام زن خواهم که دوست ندارم که عذب به حضرت عزت رسم و حق تعالی در ذکر پیغامبرانی کرده است که متاهل بوده اند (ابومنصور اسماعیل بن عبدالمومن اصفهانی، ۷۱۰، ج ۲، ص ۲۰۱).

ازدواج از نظر عرفا

غزالی نیز سه آفت برای تزویج و تاهل بیان می کند:

آفت اول عاجز بودن از کسب حلال است و تاهل باعث شود که شخص برای کسب معیشت به حرام روی آورد. آفت دوم این است که نتواند حقوق آنها را رعایت کند. و آفت سوم این است که اهل و فرزند وی را از خدای تعالی مشغول گرداند و به طلب دنیا کشد و تدبیر معیشت فرزندان به بسیاری جمع مال و ذخیره کردن از برای ایشان و طلب تفاخر و تکاثر باشد (غزالی، ۱۳۸۶: ص ۴۸).

شیخ شهاب الدین سهروردی در ارتباط با تزویج و تاهل و آفات آن می نویسد:

تزویج، بزرگ ترین حجابی است ارباب سلوک را از بهر آنکه زن خواستن، مایه تفرقه و اصل تشویش و ماده شرها و فتنه هاست. ابوسلیمان دارانی گفته است: هر آن کس که وجه تعیش طلب کند، یا زن خواهد، یا به کتابت حدیث مشغول شود، میل به دنیا کرده باشد و سالک را از سیر باز دارد. همچنین گفت که: هیچ کس از اصحاب ندیدم که چون زن خواست، بر آن مرتبت و منزلت خود بماند (سهروردی، ۱۳۷۵: ص ۲۰).

غزالی پس از نقل این احادیث در رابطه با مجرد اختیار کردن از زبان صوفیان نقل می کند:

یکی از حکما گفت که اندکی عیال یکی از دو توانگری است، و بسیاری عیال یکی از دو درویشی است. ابو سلیمان دارانی را از نکاح پرسیدند، گفت: صبر کردن از زنان به از صبر کردن بر ایشان به از صبر کردن بر آتش و نیز گفت: یگانه تنها، از حلاوت عمل و فراغت دل، آن یابد که متاهل نیابد، که هیچ کس را از اصحاب خود ندیدم که نکاح کرد و بر مرتبه اول خویش بماند. و نیز گفت: سه چیز است، هر که آن را بطلبد به دنیا مایل شده باشد: طلب وجه معیشت و نکاح و نوشتن حدیث و حسن گفت: چون حق تعالی بنده را نیکویی خواهد، به اهل و مال مشغول نگرداند و ابن اشاراتی است به قول ابوسلیمان دارانی که هر چه تو را از خدای مشغول کند، از اهل و مال و فرزندان بر تو مشغول است و احمد الحواری گفت که جماعتی در این حدیث مناظره کردند و رای ایشان بر آن قرار گرفت که معنی آن این است که اهل و مال که او را مشغول نگرداند (غزالی، ۱۳۶۵: ص ۵۱).

عزالدین محمود کاشانی هم تاکید می کند که:

سالکان طریق حقیقت را در مبدا سلوک از قطع علائق و محو عوایق و تمسک به عروه و ثقی عزیمت و تجنب از رخصت و موافقت طبیعت که شرط سلوک و ملاک سیر است چاره نیست. تزویج سبب تفیید و التفات خاطر است به اسباب معیشت و موجب انحطاط از اوج عزیمت به حسیض رخصت و مظنه رغبت به دنیا و اثارت طبیعت و عادت. مجرد از ازدواج و اولاد مدد جمعیت خاطر و صفای وقت و لذت عیش و فراغت طاعت و علو همت است. پس لازم بود سالک مجرد را مادام تا بر عزوبت و مقاومت نفس قدرت دارد که فراغت و جمعیت خاطر را غنیمتی بزرگ داشتن و بر صفای وقت و لذت حال خود غیور بودن تا بشئون اهتمام و تعلقات زن مکدر و منغص نشود (کاشانی، ۱۳۸۸: ص ۳۳).

خانواده محور نفی خواطر شیطانی

خانواده آدمی؛ سلوک در این خانواده، تائبانه (توبه کننده) است. از تمام نفوذگاه‌ها و وسوسه‌های شیطانی، از تمامی گناهان و معاصی به سوی خداوند به صورت حقیقی بازگشت می‌کنند. در تمام خانواده‌های ترسیم شده در قرآن می‌توان رد پای وسوسه‌های ابلیس در دل خانواده را مشاهده کرد (کرمانی، ۱۳۶۶: ص ۵۹-۶۱).

خانواده اسلامی؛ در این خانواده کاملاً نسبت به دشمن مبین خود که دشمنی اش خبیثانه است، آگاهی و هوشیاری وجود دارد. چنانچه در روایات می‌بینیم که ابلیس در ماجرای قربانی شدن اسماعیل نبی(ع)، ابتدا به سراغ هاجر می‌رود و او می‌فرماید که خواب نبی خدا جز فرمان خداوند نیست و باید این کار انجام شود. بعد از این به سراغ فرزند خانواده، اسماعیل می‌رود و او نیز سر به فرمان خداوند می‌گذارد و می‌فرماید: «ان شاء الله که او مرا از صابران خواهد یافت.» این هنر «نه گفتن به شیطان» است (محمد بن منور، ۱۳۸۶: ص ۳۵).

سیره عرفای مسلمان در تعامل با خانواده

مرحوم آیت الله شیخ محمد کوهستانی با اعضای خانواده حتی خدمتگزاران برخوردی توأم با ادب و احترام داشت، به فرزندان خود حرمت می‌نهاد و آنان را عزیز می‌داشت. در خانواده سخت گیر نبود. ایشان شیوه و رفتار عبادی و غیر عبادی خود را بر دیگران تحمیل نمی‌کرد به اعضای خانواده شخصیت می‌داد، با آنان مشورت می‌کرد و می‌خواست که برای او استخاره بگیرند؛ مثلاً گاه از عروس خود یا از خدمتکار منزل می‌خواست برای ایشان استخاره کنند و بدین ترتیب آنان را گرامی می‌داشت. آیت الله کوهستانی همان طوری که در مسائل مباح و حلال سخت گیری نمی‌کرد، اما اگر بی توجهی درباره مسائل شرعی و دینی در اعضای خانواده می‌دید تحمل نمی‌کرد و تذکر می‌داد و نصیحت می‌نمود، اگر مؤثر واقع نمی‌شد برای تنبیه مدتی به وی اعتنا نمی‌کرد. همچنین درباره نماز اهل خانه حساس بود تا نمازشان قضا نشود و گاهی اوقات شخصاً می‌آمد و اهل منزل را برای نماز صبح بیدار می‌نمود و اگر بیدار نمی‌شدند برای مرتبه دوم و سوم صدا می‌زد. درباره حجاب فرزندان و نوادگان خود توجه ویژه‌ای داشت، حتی در مورد نوع بستن روسری بانوان منزل اعمال نظر می‌کرد تا طوری آن را بر سر کنند که حدود الهی حفظ گردد (عارف زاده، ۱۳۹۲: ۲۱۰).

همسر مرحوم حاج شیخ اسدالله طیاری نقل می‌کند: در منزل همیشه رسم شان بر این بود که کارهای منزل باید تقسیم شود و خود بعضی از کارها را شخصاً به عهده داشتند و در هر حال و هر ساعت از انجام آن کوتاهی نمی‌کردند. به عنوان مثال هر زمان که میهمان داشتیم از یک نفر تا صد نفر بعد از میهمانی، شستن ظرف‌ها و مرتب و تمیز نمودن آن‌ها را خود عهده‌دار می‌شدند و می‌فرمودند: «کارهای اصلی را شما انجام دادید، بقیه کارها با من» و آن قدر مرتب و تمیز کار انجام می‌دادند که جای هیچ گله‌ای باقی نمی‌ماند. در کارهای روزمره بسیار با سلیقه و با انضباط بودند. هرگز کارهای شخصی خود را به دیگران محول نمی‌کردند. حتی دوخت و دوز لباس را، با حوصله و سلیقه آن را انجام می‌دادند. بیشتر کسانی که به دیدنشان می‌آمدند از

حسن خلق و سعه صدرشان بسیار تعریف می کردند. هر خواهش و تمنایی از ایشان داشتیم، هیچ گاه جواب رد نمی دادند و با خوشرویی و متانت آن را بر آورده می کردند، یا اگر در حد توانشان نبود بسیار منطقی حل و فصل می کردند (هوشنگی و خادمی، ۱۳۹۳: ص ۳۶).

اخلاق عرفانی و عشق به همسر

اخلاق عرفانی، اخلاقی است که بر اساس سلوک عارفانه، طی طریق و سیر در منازل معنوی و بر محور پیراستگی از رذایل یا پالودگی دل از آلودگی ها و آراستگی به فضایل از راه ریاضت و مجاهدت استوار است و در این مسیر، حرکت قلبی، درونی و مجاهدت و عمل یا معاملات قلبی ضروری است و تنها به حرکت فکری و عقلی بسنده نشده است؛ بلکه فراتر از عقل و سلوک عقلی، با تزکیه و سلوک باطنی و درونی برای آماده شدن دیدار جمال یار آینه وجود خویشتن را می سازد و خط سیر موجودات را به دو مسیر حرکتی قوس نزول و قوس صعود تبیین می کند. عارفان، حرکت در قوس نزول را سوقی و از برون و حرکت در قوس صعود را شوقی و از درون تلقی می کنند (مطهری، ۱۳۳۶: ص ۳۸).

سالک کوی اخلاق بر مدار میزان معرفتش به خدای سبحان و طهارت روح به تدریج عاشق می شود و از عبادت بردگانه به عبادت تاجرانه و سپس عبادت آزادگانه راه می یابد. استاد مطهری در این مورد فرمود: «یعنی گروهی از مردم خدا را عبادت می کنند برای طمع در بهشت. این عبادت، از نوع تجارت است؛ تجارت پیشگی و معامله گری است. در اینجا کار می کند برای اینکه در آنجا سودی ببرد. گروهی عبادت می کنند از ترس جهنم. اینها کارشان شبیه کار بردگان است که از ترس شلاق ارباب کار می کنند. قوم دیگر عبادت می کنند نه به خاطر بهشت و نه به خاطر ترس از جهنم، بلکه سپاسگزارانه؛ یعنی خدای خودش را می شناسد، خدا را که شناخت، آنچه دارد، همه را از خدا می بیند و چون همه چیز را از خدا می بیند، حس سپاسگزاری او را وادار به عبادت می کند؛ یعنی اگر نه بهشتی باشد و نه جهنمی، همان شناختش خدا را و حس سپاسگزاری اش او را وادار به عبادت می کند و این عبادت احراز و آزادگان است. آن اولی بنده طمع خودش است؛ دومی بنده ترس خودش است؛ سومی است که از قید طمع و ترس آزاد است و فقط بنده خداست» (مطهری، ۱۳۳۶: ص ۴۱).

برای تبیین و تحلیل مؤلفه عاشقانه بودن اخلاق عرفانی، ضروری است به توصیف و توصیه علامه طباطبایی در خصوص مسالک و روش های سه گانه اخلاق پردازیم. ابتدا تعریف اخلاق را از نگاه علامه در تفسیر آیه «و انک لعلی خلق عظیم» به نظاره می نشینیم؛ آنجا که می نویسد: «کلمه خلق به معنای ملکه نفسانی است، که افعال بدنی مطابق اقتضای آن ملکه به آسانی از آدمی سر می زند؛ حال چه اینکه آن ملکه از فضائل باشد، مانند عفت و شجاعت و امثال آن، و چه از رذایل مانند حرص و جبن و امثال آن؛ ولی اگر مطلق ذکر شود، فضیلت و خلق نیکو از آن فهمیده می شود (طباطبایی، ۱۳۶۳: ص ۵۰۰).

ایشان در جایی دیگر نحوه و شیوه اصلاح اخلاق و تحصیل ملکات فاضله را در دو طرف علم و عمل توضیح داده و از سه روش و مسلک سوداگرایانه (روش فلاسفه یونانی)، آخرت گرایانه (روش انبیا) و محبت گرایانه (روش مختص قرآن کریم) در ساحت اخلاق بحث کرده که در حقیقت اخلاق توحیدی است. آنگاه علامه طباطبایی در نتیجه گیری بحث می نویسد: «علاوه بر اینکه مسلک اسلام از نظر نتیجه هم با آن دو مسلک دیگر فرق دارد؛ چون بنای اسلام بر محبت عبودی و ترجیح دادن جانب خدا بر جانب خلق و بنده است و معلوم است که محبت و عشق و شور آن بسا می شود که انسان محب و عاشق را به کارهایی و می دارد که عقل اجتماعی، آن را نمی پسندد؛ چون ملاک اخلاق اجتماعی هم، همین عقل اجتماعی است و یا به کارهایی و می دارد که فهم عادی که اساس تکالیف عمومی و دینی است، آن را نمی فهمد. پس عقل برای خود احکامی دارد و حب هم احکامی جداگانه» (طباطبایی، ۱۳۶۳: ص ۲۴۸).

تأثیر سلوک عرفانی در نظام خانواده

۱- **آموزه‌ی محبت و عشق ورزی:** از نظر عرفان عشق مهم ترین عامل تأثیرگذار بر نظام خانواده است. هر گاه نمک عشق در دریای زندگی کم باشد، موج های پر تلاطم ناخشنودی، نارضایتی و افسردگی وزیدن خواهد گرفت و تلخی حاصل از آن، کام اعضای خانواده را تلخ می کند. عشق به حق و همه مظاهر حق از دستاوردهای عظیم عرفان عملی است. عرفان عملی موجب وسعت نظر و شمول عشق و عاطفه نسبت به همه کس و همه چیز می گردد. کینه و بدبینی ناشی از کوتاه بینی و تضادها است در حالی که در سرشت انسان، مهم ترین مولفه عشق است که خود بالاترین انگیزه همه کردارهای نیک است (یثربی، ۱۳۶۶: ص ۱۲). عامل دوم تأثیرگذار بر نظام خانواده خوش اخلاقی و گشاده رویی است. روایت شده که پاداش صبر زوج بر کج خلقی های زوجه اش نظیر پاداش ایوب در بلا است و پاداش صبر زن در کج خلقی شوهر نظیر پاداش آسیه زن فرعون است. همچنین خوبی خلق را به آن ندانسته اند که مایه رنج همسر نشوند بلکه رنج وی را مرتفع کردن، جزو خوبی خلق بر شمرده شده است (غزالی، ۱۳۶۵: ص ۸۹). پاکیزگی سومین عامل تأثیرگذار در نظام خانواده است. در این باره غزالی بیان می کند: «در نکاح پنج فایده است: فرزند، شکستن شهوت، تدبیر خانه، بسیاری عشیرت و مجاهده نفس در قیام نمودن به حق ایشان». همچنین صحابه پیامبر (ص) کراهیت داشته اند که عزب بمیرند، تا معاذ را دو زن فرمان یافت در طاعون، و وی را نیز طاعون پدید آمد، گفت: مرا زن دهید پیش از آنکه بمیرم، که نخواهم که من عزب بمیرم (همان: ص ۳۰۳).

سهروردی نقل می کند که عبدالله بن مسعود، صحابی پیامبر (ص) گفته است:

آورده اند که یحیای زکریا، از بهر سنت زن خواست اما نزدیکی وی نکرد (سهروردی، ۱۳۷۵: ص ۸۸).

اعتدال در غیرت و معیشت هم از عوامل تأثیرگذار در نظام خانواده می باشد. در تامین معاش خانواده باید دقت شود که از راه حلال تامین شود. دوم اینکه در امر معاش خانواده نباید بسیار سخت گیر یا بی مبالا

بود. پیامبر اکرم در مورد غیرت ورزی بی جا می فرماید که خداوند دشمن و مخالف غیرت نا به جای مرد در حق همسرش می باشد (همان: ص ۱۹).

۲- آموزه‌ی شکیب‌ورزی و صبر

بر اساس دستور قرآن کریم، هرگاه زن و شوهر خطا، اشتباه یا بدی از همدیگر دیدند، در وهله اول باید همدیگر را ببخشند، ولی قرآن کریم این بخشش و گذشت را کافی نمی‌داند و توصیه می‌فرماید که اساساً باید اشتباه یا بدی یکدیگر را نادیده بگیرند، به روی همدیگر نیاورند و علاوه بر اینکه به دل نمی‌گیرند، طوری رفتار کنند که گویی اتفاقی نیفتاده است. کینه‌توزی و به دل گرفتن و به‌خصوص به رخ کشیدن رفتارهای ناپسند اعضای خانواده بسیار مذموم است و در تعالیم اسلامی نکوهش شده است. در روایات می‌خوانیم که انسان کینه‌توز، به صورت شتر محشور می‌شود و معلوم است که تجسم عمل کینه‌توزی، این است که افراد کینه‌توز به شکل شتر وارد محشر شوند. همچنین اگر بین زن و شوهر در خانه نزاعی در گرفت و در اثر آن مرد از خانه بیرون رفت، حتماً باید موقع بازگشت، هدیه‌ای برای همسرش تهیه کند و ناراحتی قبلی را از دل او خارج سازد. زن نیز وظیفه دارد با رفتار نیکوی خود نسبت به شوهر و با زینت خود و خانه، مهیای شوهر داری شود و هنگام بازگشت شوهر به خانه، به استقبال او برود و هدیه‌ای به او تقدیم کند. این رفتار نیکو، از صبر و استقامت دوطرفه و دوجانبه ناشی می‌شود، ولی باید دانست که چنین خانه‌ای نورانی است و پروردگار عالم علاوه بر آنکه از آن خانه و اعضای آن راضی است، فرزندان صالح و شایسته به آن زن و مرد عطا می‌فرماید و در قیامت هم آنان را از حساب و کتاب و مؤاخذه عقاب برزخ و جهنم، معاف می‌فرماید (شریفی پیر جل، ۱۳۹۳: ص ۸۹).

۳- آموزه‌ی توکل:

در آموزه‌های قرآنی از ویژگی‌های اهل ایمان توکل است. در زندگی بهتر از پروردگاری که راه‌های سعادت را پیش روی انسان‌ها نهاده، کسی برای اعتماد نمودن، وجود ندارد. توکل از ریشه وکالت به معنای سپردن کارهای خود به دست با کفایت خداوند دانا، توانا و خیرخواه می‌باشد. همان‌طور که انسان معمولاً در کارهای دنیوی برای خود وکیل انتخاب می‌کند و بسیاری از کارهای خود را به او واگذار می‌کند تا آثار و نتایج درخشان و سودمندی را در پی داشته باشد؛ شایسته است بنده خدا نیز در همه کارهای زندگی به خداوند تکیه کند و او را وکیل خود قرار دهد تا خواسته‌هایش بدون هیچ اضطراب و نگرانی تأمین گردد. خداوند پاک و منزّه بهترین وکیل انسان است، زیرا او هر چه اراده کند آگاهانه و با قدرت انجام می‌دهد. بنابراین در توکل، انسان متوکل با چنین باورهایی نسبت به خداوند، رابطه خاصی با او برقرار می‌کند. در این رابطه حضور خدا را در تمام حرکات و رفتار در نظر می‌گیرد. در تمام لحظات برای موفقیت خود از او یاری می‌خواهد و در کنار استفاده از اسباب و دلایل مادی و غیر مادی، دست یافتن به نتیجه را مشروط به خواست و مشیت الهی می‌داند (مرزبند و همکاران، ۱۳۹۴: ص ۷۳-۸۴).

۴- آموزه‌ی فقر و قناعت

از مجموع روایات اهمیت انتخاب همسر قانع روشن می‌شود. زنی که خدمات زیاد همسر را کم به شمار آورد و خدمات کم او را نپذیرد از جمله زنان شایسته برای گزینش به عنوان همسر نیست، ازدواج با او کمتر به آرامش و سازگاری منجر می‌شود. بنابراین مهم‌ترین اقدام در این جهت، انتخاب همسر قانع و قدر شناس است. در روایتی چنین آمده است:

یک روز صبح علی (ع) به فاطمه (س) فرمود: آیا غذایی نزد تو هست که از آن تناول کنیم؟ حضرت فاطمه (س) گفت: قسم به آن کسی که پدرم را به نبوت و تو را به وصایت و خلافت گرامی داشت، چیزی نزد من نیست تا آن را در اختیار تو بگذارم. دو روز است که آنچه داشته‌ایم، به رغم نیاز خود و حسن و حسینم به دیگران داده‌ایم. پس علی (ع) فرمود: ای فاطمه، چرا مرا از این قضیه آگاه نکردی تا غذایی برایتان تهیه کنم؟ حضرت فاطمه (س) گفت: ای ابوالحسن، من از خدای خود حیا دارم که تو را بر کاری تکلیف کنم که بر آن قادر نیستی. بنابراین با توجه این روایت نتیجه می‌شود که توجه به اهمیت قناعت در آرامش و آسایش زندگی از زمینه‌های انگیزه ساز برای رو آوردن به قناعت و برخورداری از آثار آن است. برای رسیدن به این مهم، اولین مساله شناسایی عوامل ایجاد تقویت قناعت در زندگی و راهکارهای مقابله با حرص است. شرط لازم برای رسیدن به این مهم، اعطای بینش، اختیار و موعظه برای وصول به اصلاح نفس، عزت، برخورداری از زندگی شیرین و آسایش است (خامنه‌ای، ۱۳۸۸: ص ۵۵؛ کرمانی، ۱۳۶۶: ص ۲۱).

نتیجه گیری

مهم‌ترین نتایج این مطالعه به شرح ذیل به دست آمد:

نتایج مطالعه حاضر نشان داد که آموزه توکل بر عواطف و احساسات متوکل اثرگذار است؛ چرا که برای او امیدواری، آرامش و رضایت خاطر به دنبال دارد. بر این اساس نهادینه کردن اخلاقیات به ویژه آموزه توکل توسط برنامه ریزان نظام سلامت در راستای مقابله با عوامل ویران کننده سلامت روان ضروری می‌باشد. آموزه ای که می‌تواند با تامل در آیات و روایات مرتبط، تامل در قدرت و عظمت الهی، درک حضور فراگیر او در عالم، مطالعه تاریخ و زندگی توکل کنندگان حقیقی در قلب انسان فرو نشسته و اثرگذار گردد. در ارتباط با آموزه صبر و شکیبایی هم مثال روابط زن و شوهر در خانواده را آورده است که اشاره می‌کند با صبر کردن می‌تواند بسیاری از مشکلات را به راحتی حل نمود و حتی از کشمکش‌های خیلی بزرگ تر هم جلوگیری نمود. قناعت و فقر دو گزینه کاملاً مجزاست. فقر یعنی اینکه ذاتاً چیزی نداشته باشند ولی قناعت یعنی اینکه فرد در زندگی خود سعی می‌کند به دارایی‌های خود قانع باشد و در مصرف هزینه‌های زندگی خود قناعت کند تا بتواند با حداقل امکانات زندگی شاد و خانواده مستحکمی داشته باشند.

همچنین نتایج این مطالعه نشان داد که عارفان معاصر و گذشته به اهمیت و نقش سازنده خانواده واقف بوده و به آن توجه داده اند. ثانيا: وظایف، احکام و آداب و اخلاق خانوادگی را در حد لازم و کافی از منابع دینی و اخلاقی و عرفانی فرا گرفته و مهارت های لازم را کسب کرده اند. ثالثا: خود به عنوان همسر و پدر به وظایف و اخلاقیات خانوادگی خود برای حفظ و تقویت و ارتقای سلامت جسمی و روحی خانواده اقدام می کرده اند. لذا اکثر قریب به اتفاق آنها دارای همسران و فرزندان صالح و مفید بوده، از صفا و صمیمیت و آرامش و آسایش لازم بهره مند بوده اند. رابعا: با عنایت به احساس مسئولیت در قبال مردم و جامعه در طول حیات خویش و در فرصت های مناسب افراد را نسبت به اخلاق خانوادگی و سبک زندگی اسلامی آگاه کرده و توجه داده اند و در سیره نظری و عملی خویش همه را به عوامل تحکیم خانواده، رعایت حقوق همسر، حقوق فرزندان، حقوق والدین و رعایت عفت و حجاب و ... سفارش کرده و مستقیم و غیر مستقیم پیام داده اند که رسیدن به کناللات دنیوی و اخروی و سلامت جسمی و روحی و ارتقاء و بقای حیات انسانی و آسایش و آرامش با برخورداری از اخلاق نیک و شایسته در خانه و خانواده میسر و ممکن می گردد.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. رودگر، محمد جواد (۱۳۹۶)، ماهیت و مولفه های اخلاق عرفانی، فصلنامه علمی و پژوهشی، سال چهارم، شماره چهارم. ص ۲۱.
۳. مرزبند، رحمت الله؛ زکوی، علی اصغر؛ حسینی کارنامی، سید حسین (۱۳۹۴)، نقش توکل در سلامت روانی با تاکید بر آموزه های قرآنی، دین و سلامت، دوره سوم، شماره اول، ص ۷۳-۸۲.
۴. شریفی پیر جل، سعیده (۱۳۹۳)، خانواده و آموزه های عرفان اسلامی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء، دانشکده الهیات و معارف اسلامی. ص ۴۹.
۵. فرزند وحی، جمال؛ احمدی، فاطمه (۱۳۹۲)، جایگاه حقوق و اخلاق در خانواده از منظر قرآن و روایات، فصلنامه سراج منیر، شماره ۱۰، سال سوم. ص ۱۰۰.
۶. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳)، بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۲۰.
۷. العبادی، قطب الدین (۱۳۴۷)، التصفیه فی الاحوال الصوفیه، به تصحیح غلامحسین یوسفی، تهران بنیاد فرهنگ ایران.
۸. جوانی، حجت الله (۱۳۸۹)، تاثیر آموزه های عرفانی اسلامی بر نهاد خانواده، دو فصلنامه تخصصی اسلام پژوهی، شماره چهارم، ص ۸۵-۱۰۹.
۹. خامنه ای، محمد، (۱۳۸۸) حکمت متعالیه و تدبیر خانواده به همراه ملاصدرا و مکتب شیراز (مجموعه مقالات یازدهمین و دوازدهمین همایش بزرگداشت حکیم صدرالمآلهین شیرازی)، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا، چاپ اول.

۱۰. غزالی، محمد (۱۳۶۵)، منهاج العابدین الی جنته رب العالمین، ترجمه عمر بن عبدالجبار و سعدی سلوی، به تصحیح احمد شریعتی، تهران، امیرکبیر.
۱۱. هجویری، عثمان بن علی (۱۳۷۵)، کشف المحجوب، محقق و مصحح ژوکوفسکی/والنتین آلکس یریچ، تهران: طهوری.
۱۲. غزالی، ابوحامد محمد (۱۳۸۶)، احیاء علوم الدین، مترجم موید الدین خوارزمی، محقق و مصحح حسین خدیوچم، تهران: علمی و فرهنگی.
۱۳. سهروردی، شهاب الدین ابو حفص (۱۳۷۵)، عوارف المعارف، مترجم ابومنصور اصفهانی، چاپ دوم، تهران: علمی و فرهنگی.
۱۴. کاشانی، عزالدین محمود (بی تا)، مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه، تهران: هما.
۱۵. کرمانی، اوحدالدین (۱۳۶۶)، دیوان رباعیات، تصحیح احمد ابومحجوب، با مقدمه ای از محمد ابراهیم باستانی پاریزی، تهران: سروش.
۱۶. محمد بن منور (۱۳۸۶)، اسرالتوحید فی مقامات ابوسعید، مصحح شفیعی کدکنی، تهران: آگاه.
۱۷. کتاب مقدس عهد عتیق و عهد جدید، ترجمه فاضل خان همدانی، ویلیام گلن، هنری مرتن، تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۸۰.
۱۸. عارف زاده، الیاس (۱۳۹۲)، شیوه های سلوک در عرفان شیعی، پژوهشنامه عرفان، دو فصلنامه، شماره یازدهم، ص ۲۱۰.
۱۹. هوشنگی، لیلیا؛ خادمی، سمیه (۱۳۹۳)، عرفای مسلمان و مساله تاهل و مجرد سالک، پژوهشنامه عرفان، دو فصلنامه، شماره چهاردهم، ص ۳۶.
۲۰. مطهری، مرتضی (۱۳۳۶)، نظام حقوق زن در اسلام، تهران: انتشارات حکمت.
۲۱. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۶۳)، المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: جامعه مدرسین، ص ۵۰۰.
۲۲. یثربی، یحیی (۱۳۶۶)، فلسفه عرفان، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۲۳. فیض کاشانی، ملامحمد محسن (۱۳۷۱)، دیوان، انتشارات اسوه، شرح و مقدمه، مصطفی فیضی کاشانی، تهران.
۲۴. تبریزی، فانی (۱۳۹۳)، دلدادگان توحید، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۵. انصاری، خواجه عبدالله (۱۳۷۹)، شرح منازل السائرین، مترجم: عبدالرزاق کاشانی، چ دوم، ص ۲۹۷.
۲۶. شیخ ابو حفص عمر شهاب الدین سهروردی (۷۱۰)، عوارف المعارف، مترجم: ابومنصور اسماعیل بن عبدالمومن اصفهانی، چ اول، ص ۵۱۲.
۲۷. زین الاسلام استاد ابوالقاسم عبدالکریم بن هوازن القشیری (۱۳۹۱)، ترجمه رساله قشیریه، ترجمه: ابوعلی حسن بن احمد عثمانی، چ اول؛ ص ۳۲۰.